

رویکردی تحلیلی به تاثیر کالبد (بافت) شهر بر فرهنگ^۱

مطالعه موردی: شهر قزوین

مریم خستو*

استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران

Khastou2014@yahoo.com

Khastou@qiau.ac.ir

۰۹۱۲۳۰۲۷۰۰۴

فرح حبیب

استاد گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

Maryam Khastou

Department of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Farah Habib

Professor of Department of Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

چکیده

فرهنگ به عنوان مفهومی پویا همواره تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار داشته و عناصر شکل دهنده آن بر اثر عوامل گوناگون در حال تغییر هستند. در جوامع کنونی، تغییرات فرهنگی به طور واضح به چشم می‌خورد و عوامل موثر بر این تغییرات به موضوعی بحث‌برانگیز تبدیل شده؛ با توجه به نقش و اهمیت دانش شهرسازی در بهبود کیفیت زندگی و ارتقای فرهنگ شهری، لزوم مطالعه چگونگی تاثیر محیط کالبدی بر فرهنگ، به روشنی دیده می‌شود. در این پژوهش که در راستای رساله دکتری انجام شده است، مفهوم «فرهنگ»، به دو بعد مادی و غیرمادی تقسیم شده به طوری که دربرگیرنده چهار مولفه «زبان»، «عقاید»، «ارزش‌ها» و «هنجارها» است. مفهوم «کالبد شهر» نیز به دو بعد «طبیعی» و «مصنوع» تقسیم شد؛ از طرفی دسته‌بندی منوچهر مزینی به عنوان چهارچوب مورد بررسی در نظر گرفته شد که بدین ترتیب، کالبد شهر در سه مقیاس، «چهره»، «سیما» و «پیکر» بررسی شد. روش تحقیق، آمیخته ای از روش‌های اسنادی و زمینه‌یابی است؛ با توجه به موضوع تحقیق برای مطالعه تاثیر کالبد شهر بر فرهنگ، نمونه موردی طوری انتخاب شد که مولفه‌های کالبد شهر (متغیر مستقل) دسته‌بندی شده و تاثیر آن‌ها بر مولفه‌های فرهنگ (متغیر وابسته) سنجیده شود از سوی دیگر با توجه به این که فرهنگ به عنوان یک مفهوم پویا از عامل مهم اقتصاد نیز تاثیرپذیر است، بنابراین در تهیه پرسشنامه‌ها دقت شد که آن‌ها به لحاظ سطح اقتصادی و درآمد، دارای شرایط تقریباً مشابهی باشند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که کالبد بر روی بیشتر افراد در بافت تاریخی تاثیر زیاد و خیلی زیاد، و بر روی ساکنان در بافت‌های قدیمی، میانی تاثیر متوسط رو به زیاد و در بافت جدید تاثیر متوسط رو به کم دارد و از بافت تاریخی به بافت مدرن، از میزان تاثیرپذیری ارزش‌ها و هنجارهای مردم از سیمای شهر کاسته می‌شود. با حرکت از سمت بافت تاریخی به سمت بافت نوساز و مدرن از تاثیر بافت محل سکونت بر اعتقادات کاسته شده و کالبد شهر بر عناصر بیرونی فرهنگ نظیر تغییر سبک زندگی، اخلاقیات و چگونگی عمل به هنجارها و غیره تاثیر بیشتری دارد و فقط در طول زمان بر زبان فرهنگ تاثیر می‌گذارد.

واژگان کلیدی:

فرهنگ، کالبد شهر، چهره شهر، سیمای شهر، پیکر شهر، قزوین

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری مریم خستو تحت عنوان «رویکردی تحلیلی به تاثیر کالبد شهر بر فرهنگ» است که به راهنمایی دکتر فرح حبیب و مشاوره دکتر محمد نقی زاده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام شده است.

An Analytical Approach to the Impact of Urban Fabric on Culture

Case Study: City of Qazvin

Abstract

Culture has always been the main pillar of human life; in present societies cultural change is clearly visible and factors affecting these changes have become a controversial topic. Given the importance and role of knowledge of urban planning in improving the quality of life and promoting urban culture, the need to study how the physical environment affects culture is clearly felt. This thesis aims to study the effect of urban physical aspects on culture. A “mixed” methodology is applied, so content analysis is used in theoretical parts and then direct and indirect observation (field, survey and testing) is used in the case study. In testing method, the effect of urban physical aspects, as independent variable, on elements of culture, as dependent variables, was measured. The first chapter covers a general outline of research, and then the second chapter defines and explains two concepts of “culture” and “urban physical aspects”. The concept of “culture” is divided into two material and immaterial dimensions and includes four components of “language”, “beliefs”, “values” and “norms”. The concept of “urban physical aspects” is also divided into two “natural” and “artificial” dimensions, however, *Manouchehr Mozayyani’s* category is considered as the study’s framework in which urban physical aspects are divided into three scales of “city face”, “city image” and “city statue”. After summing up the theoretical framework and developing the conceptual analytical model, third chapter reviews the case study and its related observations. In fourth chapter, assumptions were tested based on the analytical model of previous chapters, and the findings were presented. To prove hypotheses and those findings are reliable, charts were measured using SPSS for being significant and finally, the last chapter provides answers to research questions, conclusion and the author’s recommendations. Results show that most elements of culture are affected by physical aspects of the environment. Other results suggest that physical aspects have very high and high effect on most people in the historical context, medium to high effect on residents in old context and medium to low effect on people in modern context and moving from historical context to the modern context, people’s values and norms are less affected by the city image. Moving from historical context to the new and modern one, the context of location has less effect on beliefs, and also strong elements such as religion and beliefs are more affected by education and family circumstances than the urban physical aspects. Urban physical aspects are more influential on external elements of culture such as lifestyle change, ethics and how to practice norms and etc. and just over time, they affect the language of culture.

Key words:

Culture, Urban Physical Aspects, urban Fabric, City Image, City Statue, Qazvin

